

کارگران جهان متحد شوید!



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

”غضب الهی“ بر مردمی که ”خمس و ذکات“ نداده اند!

به گفته آیت اله های رژیم اسلامی نابودی نزدیک به پنجاه هزار کودک و پیر و جوان در شهر بم نتیجه ”غضب الهی“ بر این مردمی است که خمس و ذکاتشان را نپرداخته اند. آیا تلاش حکومت اسلامی برای جلوگیری از کمک های مردم سراسر ایران به زلزله زدگان بم و اختصاص ندادن نیرو و امکانات برای نجات مردم مصیبت دیده هم بدلیل غضب و انتقام جانوران نماینده خدا از ”بدهکاران“ خمس و ذکات است؟

مردم شرافتمند و انساندوست:

با نیروی متحد خود مقاومت وحوش اسلامی را کنار بزنید و به یاری مردم بم بشتابید!

پیام همدردی حزب کمونیست کارگری
به بازماندگان فاجعه بم و مردم ایران

صفحه ۲

جمهوری اسلامی، زلزله ای بشدت صدها ریشتر!

حمید تقوائی

صفحه ۲

اعلام موجودیت ”کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم“

صفحه ۲

”اگر امکانات بود!“

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

نمیگذاریم مردم بم فراموش شوند

صفحه ۳

مصاحبه با اصغر کریمی

در بزرگداشت منصور حکمت

متن سخنرانی حمید تقوائی در کنگره چهارم حزب

صفحه ۶

**کنگره چهار حزب کمونیست کارگری
را چگونه برگزار کردیم**

صفحه ۵

آذر مدرسی

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax:0044-870 120 7768

۱۹۲

۱۲ دی ۱۳۸۲

۲ ژانویه ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

آزادی برابری حکومت کارگری!



جمهوری اسلامی، زلزله ای بشدت صدها ریشتر!

نگاهی به ابعاد سیاسی فاجعه بم

حمید تقوائی

کشیف ترین و تهوع آورترین توجیهات و موعظه خوانی های مذهبی، این مجموعه اقدامات حکومت اسلامی پس از وقوع زلزله است. گوئی یک مشت کرکس بر ایران حکومت میکنند. از مرگ و رنج و درد مردم به تکاپو میافتنند اما نه برای کمک به آنها، بلکه برای پر کردن جیب خودشان و برای تثبیت حکومت رو به مرگ خودشان. اخباری که میرسد مو بر اندام هر کسی که ذره ای از انسانیت بو برده باشد راست میکند: محاصره منطقه زلزله زده به بهانه جلوگیری از غارت و بعد چپاول مردم بوسیله بسیجیها، بالا کشیدن کمکهای جنسی و فروش آنها در بازار سیاه، دزدیدن دختر بچه های یتیم زلزله زده برای فروش، جلوگیری از نجات زنان از زیر آوار بوسیله "مردان نامحرم"، جلوگیری از حضور خبرنگاران و بیرون کردن پزشکان خارجی از منطقه در هراس از افشای ریهای مردم، سرزنش مردم زلزله زده بوسیله حشرات درشت اسلامی نظیر امامی کاشانی که "چون خمس و زکات نداده اند به غضب الهی گرفتار شده اند" و این کارنامه جنایتهای این کرکسان اسلامی در یک هفته بعد از زلزله است. بحث بر سر زیر پا گذاشتن حقوق بشر نیست، مساله زیر پا گذاشتن خود بشر است. بحث بر سر عقب ماندگی و ارتجاع و سرکوبگری یک رژیم نیست، بحث بر سر یک نسل کشی تمام عیار است. مردم ایران با یک مشت جانی طرفند. این ماشین آدمکشی را باید درهم شکست و یک یک مسئولین و کاربدستانش را به دادگاه کشید. در برابر این جرمومه توحش و رذالت شاهد موج عظیم نوعدوستی و انسانیت و همدردی و مساعدت مردم هستیم که همه شهرهای ایران را به مجرد اعلام خبر زلزله در بر گرفت. هزاران جمع و گروه کمک رسانی از تمام نقاط کشور بطور خودجوش تشکیل شد، هزاران تن لباس و غذا و دارو و انواع دیگر کمکهای جنسی جمع آوری شد و

صفحه ۴

مردم مصیبت زده میشوند و نه مرهم درد آنان. اینها از خصوصیات "کلاسیک" نظام سرمایه داری در کشورهای حیطه "کار ارزان و کارگر خاموش" نظیر ایران است. زمان شاه اینطور بود و زمان جمهوری اسلامی هم همین است و تا زمانی که سرمایه داری در ایران برقرار باشد وضع به همین منوال خواهد بود.

اما بعد دیگر فاجعه که ویژه جمهوری اسلامی است، خصوصیت منحصر بفرد این رژیم در ضدیتش با انسان و زندگی انسانها و قابلیت پایان ناپذیر مذهب در توجیه و محمل و زمینه سازی برای این نوع ویژه دناست و رذالت و توحش است. فاجعه بم نتیجه مستقیم این نوع ویژه توحش است:

زلزله ساعت پنج و چهل دقیقه صبح اتفاق میافتد اما دولت تا نه ساعت بعد مساله را کاملا مسکوت میکند. نه ائمه جمعه ای که ظهر آروز به سیاق همیشه بر منبرها زوزه میکشیده اند، و نه هیچیک از مقامات دولتی حرفی از زلزله نمیزنند، رژیم نه خود هیچ اقدامی میکند و نه به مردم امکان میدهد به یاری زلزله زدگان بشتابند و به این ترتیب خطرترین و تعیین کننده ترین ساعات کمک به زلزله زدگان از دست میرود. همین یک قلم اهمالکاری - اگر بشود اسم آنرا اهمال گذاشت - کفایت تا رژیم اسلامی در هر دادگاه بین المللی بعنوان قاتل مردم بم محاکمه و محکوم شود. اما این تنها جرم رژیم نیست. ما با ملقمه ای از بیکیفایتی و دزدی و دروغ و ریا کاری و ترس و تنفر از مردم روبروئیم؛ بی عملی و هرج و مرج و نابسامانی در امر کمک رسانی، ممانعت از کار مردمی که در صدد کمک به زلزله زدگان بر آمده اند، اخلال و کارشکنی در فعالیت سازمانهای بین المللی کمک رسانی به زلزله زدگان، دزدی و فساد و سوء استفاده که از هم اکنون علائمش در بازار سیاه هویدا شده است، دروغ و ریا و تحریف اخبار و اطلاعات مربوط به وضع زلزله زدگان، و همه اینها در پوششی از

زلزله بم تاکنون بیش از چهل هزار کشته و ده ها هزار مصدوم و بیخانمان بجا گذاشته است. یک هفته قبل از این سانحه زلزله ای با شدت بیشتر در کالیفرنیا بیش از چند نفر تلفات نداشت. علت این تفاوت فاحش روشن است: جمهوری اسلامی خود بخشی از زلزله ایست که در بم اتفاق افتاد. شدت زلزله بم ۳٫۶ ریشتر بیشتر نبود، اگر قدرت تخریبی رژیم اسلامی را بحساب نیاورید تلفات بم هم میبایست چیزی در حدود تلفات زلزله کالیفرنیا میبود. اینطور نشد چون اینجا نه صرفا با یک سانحه طبیعی، بلکه با یک فاجعه سیاسی روبرو هستیم. فاجعه ای بقدرت تخریبی صدها ریشتر!

یک بعد این فاجعه سیاسی نظام سرمایه داری در کشوری نظیر ایران است. مردم بم و اکثریت مردم ایران زیر خط فقر زندگی میکنند، خانه و محل سکونت آنان حتی از پایین ترین استانداردهای یک مسکن قابل زندگی در دنیای امروز برخوردار نیست و تاب مقاومت در مقابل حوادث طبیعی حتی ضعیف ترین نوع آنرا ندارد. در گزارشها آمده بود که ساختمانهای دولتی در بم که مصالح بهتر و محکمتری از خشت و کاهگل در آنها بکار رفته تنها ده در صد تخریب شده اند و خانه های کاهگلی مردم بیش از نود درصد. یک هزارم بوجه ای که صرف زندانها و پلیس و ارگانهای مختلف سرکوب مردم میشود کافی بود تا خانه های مردم با لا اقل همان استاندارد ساختمانهای دولتی ساخته شود و ابعاد فاجعه به یک دهم کاهش پیدا کند. حکومت در ایران، چه در زمان شاه و چه امروز، خود عامل کشتار مردم در سوانح طبیعی بوده است و نه عامل نجات آنها. مساله مسکن فقط یک جنبه قضیه است. در ایران هیچ سیاست و نقشه عمل اضطراری و بودجه و سازمان معینی برای مقابله با این نوع حوادث در کار نیست و آن حدی هم که روی کاغذ هست در عمل، زیر بار اختلاس و فساد و دزدیهای مسئولین امور، مزید بر درد و رنج

پیام همدردی حزب کمونیست کارگری به بازماندگان فاجعه بم و مردم ایران

زلزله دهشتناکی که صبح امروز در شهر بم رخ داد همه مردم ایران و هر کس که در جهان این خبر را شنیده، در بهت و اندوه فرو برده است. در یک لحظه هزاران کودک و پیر و جوان در زیر خروارها خاک مدفون شده اند و بازماندگان شان را غمزه و مستاصل و پریشانحال بر جای گذاشته اند. از جانب حزب کمونیست کارگری این مصیبت را به همه بازماندگان قربانیان این فاجعه و عموم مردم ایران تسلیت میگویم. ما شریک غم و اندوه شما و در این لحظات سخت با شما و در کنار شما هستیم. حزب ما با هر چه در توان دارد برای یاری دادن به بازماندگان و کاستن از ابعاد این فاجعه خواهد کوشید.

در قبال چنین مصائب طبیعی معمولاً احساس غم و اندوه با ناتوانی و استیصال به هم می آمیزد. قهر طبیعت ده ها هزار انسان بیگناه را به کام خود میکشد و ظاهراً کاری هم از دست کسی ساخته نیست. اما طبیعت به تنهایی مقدر نیست. بشر عصر ما از آن قدرت علمی و تکنولوژیک برخوردار هست که حوادث طبیعی بمراتب دهشتناک تر از آنچه در بم رخ داد را کنترل کند، تماماً از وقوع آن پیشگیری کند و یا عواقب آنرا به حداقل برساند. اگر هنوز شاهد آتیم که سوانح طبیعی هزار هزار قربانی میگیرند، علت در نظام و مناسبات اجتماعی ایست که حفظ قدرت و منفعت مشتی انگل، و نه انسانیت و جان و رفاه انسانها، شالوده و قوه محرکه آنهاست. فاجعه اینجاست. این یک فاجعه جهانی است اما در ایران جمهوری اسلامی این فاجعه ابعاد عظیم و بیسابقه ای بخود میگیرد. با یک هزارم آنچه رژیم صرف دستگاه عریض و طویل سرکوب و زندان و شکنجه و گستردن بساط خرافه و جهل و غیره میکند میتواند تلفات و ضایعات حوادثی نظیر زلزله اخیر را یا تماماً پیشگیری کرد و یا به حداقل رساند. جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان و مال قربانیان زلزله بم است.

در برابر این فاجعه سیاسی - اجتماعی بهت و استیصال جانی ندارد. ما میتوانیم و باید غم و اندوه ناشی از این ضایعه را به عزم و اراده برای تغییر این وضعیت تبدیل کنیم. اولین قدم کمک به بازماندگان قربانیان است. ما مردم باید خود مستقل از

عزیزان مصیبت زده!

یکبار دیگر به شما از صمیم قلب تسلیت میگویم. در این دوران سخت و جانگاز حزب ما همدرد و همراه و در کنار شماست.

حمید تقوائی

دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ دیماه ۱۳۸۲ - ۲۶ دسامبر ۲۰۰۳

اعلام موجودیت کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم

نمیگذاریم مردم بم فراموش شوند

مصاحبه با اصغر کریمی درباره

کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان



شده اند. بازماندگان نزدیک ترین انسانهای خود را از دست داده اند، از نظر روحی کمک میخواهند و شرایط مناسبی برای ترمیم لازم دارند. سالمندان مراقبت ویژه میخواهند. با توجه به فقر و شرایط ناامنی که با پاشیدن روابط اجتماعی مردم ایجاد شده است، نهادهای ویژه ای باید مخصوص کودکان بی سرپرست و زنان و دختران ایجاد شود و غیره. و همه اینها هیچ ممر درآمدی برای مدتهای طولانی ندارند. حتی در یک حالت ایده آل ماهها طول میکشد که سرپناهی برای اینها درست شود. ابعاد مساله واقعا بزرگ است. رژیم

به تمام معنی فاسد و عقب مانده در ایران سر کار است که فقط در سرکوب و آدم کشی استاد است و مجهزترین سازمانها را برای اینکار درست کرده است. در نتیجه بدون تلاش مردم در ابعاد وسیع، بدون کمک های مختلف به زلزله زدگان، و بدون فشار هرروزه به جمهوری اسلامی دردی از دردهای بیشمار بازماندگان زلزله کاسته نمیشود. نوع دوستی و انسانیت عمیقی که در سراسر کشور و همینطور در سطح جهانی به حرکت درآمده است، میتواند محرک سازمان یافتگی و حرکت آگاهانه مردم بشود و با خواسته های روشن به حکومت فشار بیاورد تا پول و نیروی بیشتری صرف بازماندگان زلزله کند. نقش مردم تعیین کننده است. مردم باید همه جا و به شیوه ای سازمان یافته تر وضعیت آوارگان بم و کودکان را دنبال کنند و رژیم را برای رسیدگی به مسائل آنها تحت فشار قرار دهند.

اطلاع رسانی منظم مردم از همه جوانب مساله، به این کمیته کمک میکند تا موضوع را همه روزه به اطلاع سازمانها و افکار عمومی قرار دهد و مشوق آنها برای دخالت و کمک باشد. "کمیته اقدامات اضطراری ... همه تلاش خود را خواهد کرد تا مساله در سطح جهانی به فراموشی سپرده نشود. کمیته تلاش میکند با تعداد هرچه بیشتری از مردم آزادخواه و علاقمند و نیز سازمانهای مدافع حقوق انسان پیوند نزدیکی

صفحه ۴

شوند. اگر صبح روز جمعه پنجم دیماه، يك ساعت رادیو و تلویزیون را در اختیار مردم قرار داده بودند، دهها هزار نفر با هزاران دکتر و پرستار و صدها تن غذا و پوشاک و دارو به بم سرازیر میشدند و هزاران نفر همان روز اول نجات داده میشدند و کسی از سرما و گرسنگی شهبای بعد از آن نمیمرد. اکنون کسی باید کیفرخواستی علیه سران حکومت اسلامی تنظیم کند، کسی باید مانع فراموش شدن مردم بم و بازماندگان شود، کسی باید افکار عمومی بین المللی و نهادهای و مراجع جهانی را دائما از وضعیت آوارگان مطلع کند، از وضعیت کودکان بی سرپرست، معلولهای زلزله و سالمندان مطلع گرداند، به حکومت اسلامی برای پرداخت غرامت کافی و تامین زندگی مردمی که ممر درآمدی ندارند فشار آورد، موضوع را در افکار عمومی جهانی زنده نگاهدارد، و فشار مستمیری روی حکومت اسلامی برای بعهده گرفتن هر درجه تعهد در قبال این مردم ستمدیده و همه چیز از دست داده حفظ کند. کمیته اقدامات اضطراری برای پیگیری این وظایف تشکیل شده است. کمیته ای که با صرف نیروی متمرکز و به شیوه ای سیستماتیک، به افکار عمومی اطلاع رسانی کند، کمک های جهانی را مونیتر کند و به اطلاع مردم برساند تا بهر درجه ممکن مانع سرقت آنها توسط ایادی رژیم شود. با مجموعه این اقدامات انتظارات مردم را بالا ببرد و به ارتقای روحیه اعتراضی کمک کند. به نهادهای کمک رسانی بین المللی دائما فشار آورد که بر کمک ها تا آخر نظارت کنند و رژیم را هم وادار به گزارشدهی کنند.

هفتگی: در اطلاعیه حزب از مردم درخواست کمک و همکاری با کمیته مطرح شده است. چه نوع کمکهایی از مردم ساخته است و این کمیته چه برنامه ای برای سازمان دادن کمکهایی مردم انساندوست دارد؟

اصغر کریمی: هزاران نفر در بم زخمی شده اند که در خود بم یا شهرهای مختلف پراکنده شده اند. بسیاری از اینها به مداوای طولانی نیاز دارند. دهها هزار نفر آواره شهرهای مختلف شده اند. هزاران کودک بی سرپرست

هفتگی: حزب کمونیست کارگری اقدام به تشکیل کمیته ای در جهت حمایت از زلزله زدگان بم کرده است. هدف از تشکیل این کمیته چیست؟

اصغر کریمی: اساس مساله این است که رژیم اسلامی، کوچکترین تعهدی در قبال شهروندان این جامعه ندارد. جمهوری اسلامی و نظامی که از آن پاسداری میکنند، بانی فقر، فلاکت، تحمیل خانه های خشت و گلی و محقری که تاب کوچکترین مقاومتی در برابر زلزله ندارند، بوده است. کوچکترین توجهی به استانداردهای ساختمانی حتی در مورد بیمارستانهای شهر بم نکرده است. مبارزه هرروزه مردم برای تغییر شرایط زندگی شان را به شدیدترین وجهی سرکوب کرده است. خود مردم بم بارها اعتراضاتشان توسط حکام اسلامی به خاک و خون کشیده شده است. به این معنی حکومت اسلامی عامل بنیادی این کشتار است. اگر مردم بم فقط یک درجه سطح زندگی بالاتری میداشتند و در طول این ۲۵ سال از شر این خانه های محقر راحت شده بودند، میزان تلفات به مراتب پایین تر میبود. فقط با پول دزدیها و رشوه های مقامات حکومت و وابستگان آنها میشد بم و صد شهر دیگر را در مقابل خطر زلزله مصون نگه داشت. یک دهم بودجه نیروهای سرکوب و شکنجه و دم و دستگاه مذهبی رژیم در طول این ۲۵ سال برای حل مساله مسکن در کل کشور با استاندارد بالا کافی بود. اگر در فرهنگ رایج در دنیای کنونی نتوان اسم اینرا قتل عمد گذاشت، اما آنچه جمهوری اسلامی پس از وقوع زلزله کرد و نکرد را با همین معیارهای رایج میتوان قتل عمد نامید. از مردمی که با تمام وجود حاضر به کمک بودند خبر را پنهان کردند و بعد کم اهمیت جلوه دادند و عملا مانع کمک رسانی مردم شدند و بویژه در اولین روز که زلزله زدگان بیشتر از هر موقع به کمک احتیاج داشتند، هیچ کاری نکردند. اینرا خودشان رسما

اقرار کرده اند. با این کار، رژیم رسما در قتل تعداد زیادی از مردم بم نقش مستقیم داشته است. اگر رژیم خود را کنار کشیده بود مردم خود تعداد بیشتری را نجات میدادند اما حتی اینرا هم بلرجه ای که توانستند مانع

بازسازی و تامین زندگی بازماندگان محروم این فاجعه و کاهش مشقات انسانی آن، توسط نهادهای بین المللی تاکید کند - مواعی را که جمهوری اسلامی در مقابل کمک رسانی خودجوش و یا سازمان یافته مردم ایجاد میکند افشا کند و تلاش کند تا قدرت مردم و با اعمال فشار افکار عمومی و مراجع بین المللی بر جمهوری اسلامی این مواعی برطرف شود - در هر سطح که میتواند به گسترش و سازمانیابی هر چه بیشتر جمعا و کاروانهای کمک رسانی که به ابتکار مردم در شهرهای مختلف ایران شکل گرفته است کمک کند و مواعی را که از جانب جمهوری اسلامی بر سر راه این اقدامات ایجاد میشود، افشا و خنثی کند - نماینده و سخنگو و مدافع پیگیر منافع بازماندگان فاجعه بم باشد، افکار عمومی دنیا را از وضعیت زندگی و سرنوشت آنان مداوما مطلع نگاهدارد، و اجازه ندهد با دور شدن از این واقعه، سرنوشت بازماندگان زلزله به فراموشی سپرده شود

- جمهوری اسلامی را بخاطر سهل انگاری در امر کمک رسانی به مردم بم و لاقیدی نسبت به توصیه های نهادهای تحقیق در مورد زلزله، تحمیل خانه های محقر به اکثریت مردم محروم و زحمتکش، استانداردهای بسیار پائین ساختمان سازی در طول ۲۵ سال حاکمیت، در سطح جهانی مورد بازخواست و تحت فشار قرار دهد.

حزب کمونیست کارگری ایران در مقابل کمک رسانی خودجوش و یا سازمان یافته مردم ایجاد میکند افشا کند و تلاش کند تا قدرت مردم و با اعمال فشار افکار عمومی و مراجع بین المللی بر جمهوری اسلامی این مواعی برطرف شود

در هر سطح که میتواند به گسترش و سازمانیابی هر چه بیشتر جمعا و کاروانهای کمک رسانی که به ابتکار مردم در شهرهای مختلف ایران شکل گرفته است کمک کند و مواعی را که از جانب جمهوری اسلامی بر سر راه این اقدامات ایجاد میشود، افشا و خنثی کند

- نماینده و سخنگو و مدافع پیگیر منافع بازماندگان فاجعه بم باشد، افکار عمومی دنیا را از وضعیت زندگی و سرنوشت آنان مداوما مطلع نگاهدارد، و اجازه ندهد با دور شدن از این واقعه، سرنوشت بازماندگان زلزله به فراموشی سپرده شود

- جمهوری اسلامی را بخاطر سهل انگاری در امر کمک رسانی به مردم بم و لاقیدی نسبت به توصیه های نهادهای تحقیق در مورد زلزله، تحمیل خانه های محقر به اکثریت مردم محروم و زحمتکش، استانداردهای بسیار پائین ساختمان سازی در طول ۲۵ سال حاکمیت، در سطح جهانی مورد بازخواست و تحت فشار قرار دهد.

حزب کمونیست کارگری ایران در مقابل کمک رسانی خودجوش و یا سازمان یافته مردم ایجاد میکند افشا کند و تلاش کند تا قدرت مردم و با اعمال فشار افکار عمومی و مراجع بین المللی بر جمهوری اسلامی این مواعی برطرف شود

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ دسامبر ۲۰۰۳، ۸ دیماه ۱۳۸۲

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

با توجه به ابعاد عظیم تراژدی انسانی در بم، نیاز گسترده و درازمدت در کمک رسانی به مجروحان و بازماندگان این زلزله، با توجه به لاقیدی و بی مسئولیتی جمهوری اسلامی در قبال مردم محروم و ستم زده بم، عدم اعتماد به کمکهایی که از طریق جمهوری اسلامی برای مردم بم ارسال میشود، و تضییقات و محدودیتهای هر رژیم اسلامی بر سر راه کمک رسانی به بازماندگان زلزله بوجود می آید، کمیته ای تحت عنوان "کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم" زیر نظر هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری تشکیل شده است. اعضای این کمیته عبارتند از: مریم نمازی هماهنگ کننده کمیته، مینا احدی، فریبرز پویا، ناهید ریاضی، هلاله طاهری، اسد گلچینی، بهرام مدرسی، مهرنوش موسوی، اسماعیل مولودی و کاظم نیکخواه.

"کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم" تلاش میکند تا:

- افکار عمومی را هرچه بیشتر نسبت به ابعاد این فاجعه مطلع نگاهدارد و در سطح هر چه وسیعتری حمایت مردم و نهادهای بین المللی را جلب کند

- از دولتها و نهادهای بین المللی بخواهد که به جمهوری اسلامی اعتماد نکنند و کمکهایی خود را مستقیما بدست قربانیان زلزله برسانند

- از مردم در کشورهای مختلف بخواهد تا کمکهایی مالی و جنسی خود را از طریق نهادهای معتبر غیر مذهبی، غیردولتی، و مستقل از جمهوری اسلامی بدست زلزله زدگان برسانند

- بر ضرورت نظارت بر توزیع کمک های ارسالی و نیز در امر



“اگر امکانات بود!”

کیفر خواست مردم زلزله زده بم
علیه جمهوری اسلامی

رحمان حسین زاده

آینده این مردم بازی کرده اند. علیه جانوران اسلامی و “نمایندگان خدا” که فقط با اتکا به زور اسلحه و کشتار مستمر و نسل کشی هر لحظه امکانات و زندگی و حیات مردم را به گروگان گرفته و تداوم هر روز حاکمیتشان در نفس خود زلزله ای دردناک بر کرده این مردم است.

زلزله سانحه طبیعی است و نمیتوان جلو وقوع آن را گرفت. اما در این عصر و در همین دنیای موجود، تجربه شده که میشود جلو چنین ابعاد دهشتناک و تکان دهنده از تلفات انسانی و مادی را گرفت. شهر بم و اطراف هم میشد همانند لوس آنجلس و توکیو و بسیاری شهرهای دیگر جهان با کمترین تلفات ممکن زلزله را از سر بگذرانند، به شرطی که حکومتی سر کار بود که به حداقل نیازهای تداوم حیات انسان متعهد و پایبند بود، به شرطی که در ایران زلزله خیز و بویژه در مناطق زلزله خیز آن از قبل به فکر شهر سازی و ساختمان سازی با استانداردهای مدرن و بالای امروزی بودند و به شرطی که آمادگی لازم و امکانسازای کامل را برای چنین شرایطی فراهم میکردند. بشریت مبتکر و متمدن مدتهاست به خرافه “بلای آسمانی و مقدرات الهی” و رقم خوردن سرنوشت انسان به “دست طبیعت” پایان داده و نه تنها این بلکه طبیعت را به کنترل خود درآورده است. آنچه این واقعه طبیعی را به چنین فاجعه انسانی و اجتماعی تبدیل کرده، ساختمانهای

“بهزادی” از ساکنین شهر بم در میان اشک و اندوه در جواب خبرنگار یکی از کانالهای تلویزیونی اروپایی چنین گفت “اگر امکانات بود، این همه تلفات نداشتیم. اگر لودر و بیل مکانیکی و سگهای شناسایی بود، این همه عزیزان ما زیر خاک نمی ماندند، اگر پزشکی و امکانات معالجه بود، این همه مجروح تلف نمی شدند. برادرم مشانه اش ضربه خورده بود، به دکتری مراجعه کردم، گفت من نمیتوانم کاری بکنم، به دکتر جراح احتیاج هست. با یک عمل جراحی برادرم نجات پیدا میکرد، اما دکتر جراح نبود. افسوس برادرم در آغوشم مرد”

جمعی پای این صحنه نشسته بودیم. به همراه اشکهای بهزادی، اشکهایمان سرازیر شد. اما بهزادی جوان کیفر خواستی را اعلام کرد. کیفر خواست کوتاه و برنده و کوبنده بهزادی و مردم شهر بم و کل انسانیت تکان خورده از این فاجعه، علیه جمهوری سیاه اسلامی، علیه حاکمیتی که امکانات را قبضه کرده و از مردم دریغ میکنند و علیه نظم ضد انسانی موجود. همین کیفر خواست کوتاه بهزادی کافیتست تا کل بساط جمهوری اسلامی و نظم موجود حاکم بر ایران را تماما به زیر کشید.

کیفر خواست ساده و رسای بهزادی علیه حاکمیت مشتکی آخوند انگل صفت و قسی القلب است که ۲۵ سال هر روزه با سرنوشت و حال و

رابط بین زلزله زدگان و ارگانهای بین المللی کمک رسانی تبدیل شوند. مساله بر سر جان و زندگی ده ها هزار کودک و پیر و جوان زلزله زده است. این مساله تنها بقدرت خود مردم قابل حل و التیام است. این را باید جهانیان نیز ببینند و بدانند. رژیم اسلامی را باید در منگنه اعتراضات مردم از داخل ایران و فشار افکار عمومی و ارگانهای بین المللی از خارج قرار داد. کیفر خواست مردم ایران علیه جانیان حاکم را باید در دنیا فریاد زد و حکومت اسلامی، این قاتل زنجیره ای مردم را، اینبار بعنوان قاتل ده ها هزار نفر از مردم بم در یک تریبونال بین المللی بیای میز محاکمه کشید. حزب ما با تمام توان برای عملی شدن این محکمه جهانی تلاش میکند. *

از صفحه ۳ مصاحبه با اصغر کریمی

و جنبه انسانی مساله مستقیما به سیاست گره خورده است. تازه اینها وجوه کوتاه مدت قضیه است. بسیاری از نقاط دیگر این مملکت روی خط زلزله قرار دارد و امکان زلزله در تهران و بسیاری از شهرهای پرجمعیت هست و میتوان تصور کرد که در صورت زلزله ای با همین قدرت در تهران چه بسر مردم میاید. حل این مساله دیگر مطلقا سیاسی است و به دولت و قدرت سیاسی و در واقع به سرنوشتی حکومت و ایجاد جامعه ای با معیارهای انسانی گره خورده است.

اکنون خواه ناخواه زلزله بم به تغییر فضای سیاسی و فکری مردم هم تبدیل شده است و زلزله های سیاسی بزرگی میتواند به دنبال داشته باشد. قلب مردم از خشم و کینه نسبت به جمهوری اسلامی پر شده است. همه جا در کوچه و خیابان، در تاکسی و اتوبوس، در کارخانه و دانشگاه دارند رژیم را به عنوان قاتل مردم بم محکوم میکنند. در یک هفته گذشته همبستگی میان مردم بشدت تقویت شده است. زلزله بم همه را به هم نزدیک کرده است. عالیترین روحیات انسانی خفته در اعماق قلب مردم بیدار شده است. سوالات اساسی مثل سهم مردم از زندگی، فقر و خانه های محقر و غیراستانداردی که این نظام به مردم تحمیل کرده است، حکومت جانیتکاری که حتی از زخمیهایی بی

کاروانهای کمک رسانی بسوی بم پراه افتاد. مردم این جانیان را میشناسند، و میدانند باید خودشان راسا و مستقل از دولت دست بکار شوند و همه جا چنین کردند. امروز ما در ایران شاهد عظیم ترین و انسانی ترین نمایش همدردی و همبستگی از جانب مردم و کثیف ترین ردالت و دناوت از جانب حکومت هستیم. این موج انسانی که برای کمک به زلزله زدگان شکل گرفته است باید رژیم را کنار بزند و محدودیتها و تضییقات تحمیلی اش را خنثی کند. باید هر مقاومت و اخلاص و کارشکنی ارگانهای دولتی با مقاومت و اعتراض مردم خنثی شود. باید مردم ایران و تشکلهای مردمی که برای کمک به زلزله زدگان شکل گرفته اند ابتکار عمل را تماما بدست بگیرند، رژیم را از سر راه کنار بزنند و خود به

برقرار کند تا نیروی گسترده تری را در این راستا و حول اهداف انسانی و سیاسی خود متحد کند.

هفتگی: با توجه به عملکرد حکومت اسلامی، بعد انسانی کمک به زلزله زدگان و بعد سیاسی مقابله با سیاست های رژیم در این زمینه کدامیک اساس سیاست حزب است؟

اصغر کریمی: هر دو. لاقول در ایران این دو چنان به هم تنیده شده اند که قابل تفکیک نیست. طبیعی است که در روزهای اول بلافاصله پس از زلزله ابعاد انسانی قضیه و کمک رسانی فوری به مردم اساس کار است اما با گذشت چند روز بعد سیاسی مساله برجستگی بیشتری پیدا میکند. مردم میخواهند کمک کنند و دستگاههای رژیم نمیگذارند و خود نه میخواهند و نه قادر به کمک قابل ملاحظه ای هستند. همین یک قلم نشان میدهد که وجه انسانی و سیاسی قضیه تا چه حد به هم گره خورده است. در برخی از بیمارستانها از مجروحین برای عمل و دارو پول خواسته اند که این کار واقعا آدم را یاد گرفتن پول تیر اعدام جانبازان از خانواده هایشان می اندازد. راه مقابله با همه اینها سیاسی است. فشار به حکومت است، افشای حکومت است، فشار بین المللی و ساختن افکار عمومی است. همه اینها راه حل سیاسی دارد. جان مردم

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

نیروهایش بی روحیه و بی اعتماد بنفس نبوده اند. زلزله بم نیروئی را در عمق جامعه به حرکت درآورده است. خشم مردم جانی سر باز میکند و اینبار گسترده تر، عمیق تر و همه جانبه تر است و قدرت مقابله رژیم بسیار کمتر. اوضاع بسیار متحول و منقلب است. حزب کمونیست کارگری باید با هوشیاری سیاسی اوضاع را دنبال کند و نقش خود را در این شرایط ایفا کند. *

حتی طرفداران حکومت هم دارند انتقاد میکنند و از لاقیدی، بی سازمانی و فساد در دستگاه حکومت حرف میزنند. مشروعیت رژیم حتی در میان افراد مومن به رژیم بشدت ضعیف شده است. این وضعیت، متعارف نیست، شبیه نارضایتی های معمولی در خیلی جوامع نیست. حتی شبیه ده سال قبل در ایران هم نیست. هیچگاه و هیچ زمانی رژیم اسلامی اینچنین منزوی و منفور و

پشت و پناه بم هم برای معالجه پول طلب میکند، باز شده و به بحث روز مردم تبدیل شده است. بحث سوء استفاده، رشوه و دزدی و بچاپ بچاپ مقامات و قشر انگل جامعه، شکافهای طبقاتی باور نکردنی و تفاوت های عمیق میان زندگی اکثریت مردم محروم با مقامات دولتی، بیش از هر زمان نقل محافل مردم شده است. اینها فضای سیاسی و آگاهی مردم را تعمیق کرده است.

کنگره چهار حزب کمونیست کارگری را چگونه برگزار کردیم

آذر مدرسی

متن زیر فشرده ای از يك گزارش تفصیلی تر است - هفتگی



در هلند و آلمان سپردیم و بعد از چند سفر و دیدن محلهای مختلف جمعی را در آلمان برای برگزاری کنگره انتخاب کردیم و پس از تأیید کورش، کارهای بعدی را شروع کردیم.

ابتدا مسئولین گروه های کاری مختلف را تعیین کردیم، تلاش کردیم از همه رفقایی که در کنگره سوم حزب دست اندر کار بودند استفاده کنیم. مسئولین بخش های مختلف کار را به شرح زیر تعیین کردیم. بهروز مدرسی مسئول بخش فنی کنگره، نسرین جلالی مسئول حمل و نقل شرکت کنندگان، ساکار احمدیان مسئول امنیت حمل و نقل، مریم کوشا مسئول پذیرش میهمانان، اسد نودینیان بعنوان خزانه دار کنگره، محسن ابراهیمی امنیت سالن، علی فرهنگ مسئول تیم فیلمبرداری، اسعد کوشا مسئول پخش روی اینترنت، رابعه آشتا مسئول مهد کودک، نارنیز برومند مسئول روابط عمومی، نوید محمدی مسئول امکانات زیست و جلال محمودزاده بعنوان هماهنگ کننده گروههای کاری و مسئول رابطه با بقیه مسئولین محل، تعیین شدند. جمع رفقای برگزار کننده کنگره از همان ابتدا با جدیت کار را شروع کردند. مسئولیت برگزاری و همینطور امنیت کل کنگره به عهده من بود.

باید کنگره را با استانداردها بالا و در عین حال با امنیت کامل برگزار میکردیم و به همین دلیل باید کدهای امنیتی بالایی را رعایت میکردیم. کارها را بین تیم سازماندهی تقسیم کردیم. باید لیست بلند بالایی از وسایل مورد نیاز کنگره تهیه میشد. برگزاری کنگره علنی با شرکت قریب بر چهار صد نفر برای يك حزب کمونیستی که از جاهای مختلفی تهادید میشود و مردم از اقصی نقاط جهان در آن شرکت می کنند، کار آسانی نبود. کنگره چهارم کنگره يك حزب کمونیستی غیر قانونی بود. بی تردید با شکستن دیوار خفقان، وقتی که بتوانیم آدرس محل کنگره و فرم ثبت نام و شرکت در آن را در روزنامه های علنی اعلام کنیم، حزب ما قادر

نقاط جهان انتظار کنگره ای بزرگ، با قدرت و متحد را داشتند و عده ای در بیرون از حزب امید و آرزو داشتند که "از هم بپاشیم". با درك این شرایط وقتی در جلسه هیات دبیران حزب در مورد کنگره و سازماندهی آن صحبت شد و با توجه به تجربه مستقیم ام در برگزاری کنگره سوم، با علاقه مسئولیت سازماندهی آن را بعهده گرفتم و چند روز بعد از جلسه کار را شروع کردیم. با کوروش مدرسی طرح و نقشه کار را ریختیم. بقول او مردم ما و کنگره مان را با کنگره سوم حزب در همه ابعادش مقایسه و قضاوت خواهند کرد. کنگره باید از هر لحاظ نمایندگی حزب منصور حکمت را میکرد. باید کنگره ای با شکوه و قدرتمند میشد. هدفمان را برگزاری يك اجتماع حداقل چهار صد نفره تعیین کردیم. پیش بینی میکردیم که این کنگره حدود ۵۰ هزار یورو مخارج دارد اما روشن بود که مشکل مالی نباید مانع برگزاری پرشکوه کنگره شود.

کار را شروع و اجزا مختلف کارها را مشخص کردیم. تیمی از مجرب ترین کادریهای حزب را انتخاب کردیم. امکانات مورد نیاز، مالی و تدارکاتی و امینی را بررسی کردیم. از دعوت از سازمانها و شخصیت ها تا گرفتن پاسخ دعوتنامه ها، از تعیین لیست مدعوین تا تعیین لیست نهائی نمایندگان و اطمینان از اینکه هیچ نماینده و تضمین اینکه هیچ روزنه و شکاف امنیتی و تدارکاتی وجود نخواهد داشت، دریایی از کار بود. تدارک مالی و فنی کنگره، خود به تنهایی کاری در ابعاد عظیم را پیش رویمان گذاشته بود. با درك این واقعیت شورانگیز و درك سختی های این کار هرکولی، با کوروش مدرسی دست به کار شدیم.

با این اطمینان که میتوانیم کار را با همه سختی و پیچیدگی آن پیش ببریم، تیمهای مختلف را سازمان دادیم. قبل از هر چیز باید جای مناسبی را پیدا میکردیم این کار را به رفقاهم خانی و جلال محمودزاده

دوازدهم و سیزدهم دسامبر کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران با شکوه و قدرت تمام برگزار شد. شرکت کنندگان کنگره فقط آن چند صد نفر کمونیستی که در سالن حضور داشتند نبود. هزاران نفر کمونیست و انسان آزادیخواه از طریق اینترنت و از اقصی نقاط دنیا در کنگره شرکت داشتند. هزاران نفر از ایران که بدلیل خفقان جمهوری اسلامی نتوانستند در کنگره شرکت کنند با قلبی مالامال از شوق همراه ما لحظه به لحظه کنگره را تعقیب کردند و همراه ما احساس قدرت کردند. در این کنگره ترکیب سنی و جنسی شرکت کنندگان هم منحصر بفرده بود، از جوانان ۱۶ ساله تا سالمندان ۷۰ ساله زن و مرد شرکت کرده بودند. ترکیب سنی و جنسی کنگره، و بخصوص شرکت وسیع جوانان در آن، جلوه ای از این واقعیت بود که مطالبات برنامه ما و جنبش ما متعلق به همه مردم تشنه آزادی و برابری است. هدف از این گزارش اساسا نه انعکاس جلسات کنگره و مصوبات آن، بلکه ارثه تصویری از نحوه سازماندهی اجرائی و تدارکاتی آن است.

این کنگره اعلام آمادگی حزب کمونیست کارگری ایران برای کسب قدرت سیاسی بود. این کنگره، آمادگی و عزم راسخ نسلی از کمونیست ها را برای تغییر جهان چیزی که بعد از مارکس و لنین جهان در انتظار آن است، را نشان داد. کنگره از همه نظر کامل بود، هم از نظر تدارکاتی و فنی و هم از نظر سیاسی. کنگره نه فقط اتحاد و عزم حزب را نشان داد بلکه قدرت و ظرفیت بالای يك حزب سیاسی کمونیست را نشان داد که میتواند با کمترین امکانات چنین کنگره با شکوه و علنی را برگزار کند.

کنگره چهارم، کنگره بعد از منصور حکمت بود. به این خاطر و به خاطر شرایط متفاوت سیاسی که در آن به سر میبریم، ویژه بود. همه از دوست و دشمن چشم به این کنگره دوخته بودند. کادرها و اعضا و دوستان حزب در ایران و در اقصی

انترناسیونال شروع رسمی کنگره را اعلام کرد. عظمت حضور بیش از ۳۰۰ نفر که از اقصی نقاط جهان

برای برگزاری کنگره حزب کمونیست کارگری ایران آمده بودند و به احترام سرود انترناسیونال بپا خاسته بودند، به سازماندهندگان کنگره انرژی و نیرویی صد چندان بخشید.

قدرتانی پرشور شرکت کنندگان کنگره از بیش از ۴۰ نفر که طی این چند روز با تلاش دانشمان، با محروم شدنشان از جلسات کنگره، امکان برگزاری کنگره ای چنین باشکوه را فراهم کرده بودند، خستگی را از تن و فکر همه برگزار کنندگان کنگره تماما بدر کرد. هنگامی که حمید تقوایی از طرف کنگره از برگزار کنندگان قدرتانی کرد و هنگامی که من به نمایندگی از آنها خواستم روی سن بیایند، به یکی از لحظات پرشور کنگره تبدیل شد. ما در کارمان موفق شدیم. احساس غروری که تک تک رفقای دست اندرکار که روی سن می آمدند را میشد از چهرهای خندانشان دید. ما در رهبری حزب میخواستیم کنگره پرشکوه برگزار شود!

کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران به يك رویداد سیاسی مهم در جامعه ایران تبدیل شد. این کنگره بدون حضور منصور حکمت برگزار شد اما حضور منصور حکمت را در لحظات تعیین کننده آن در درایت و هوشیاری رهبران کمونیست حاضر در کنگره بخوبی میشد حس کرد.

یکبار دیگر از همه عزیزانی که طی این مدت با تلاش دائم و شبانه روزیشان برگزاری چنین کنگره موقتی را ممکن کردند تشکر میکنم.

خواهد بود با وجود کادریایی در این سطح، کنگره های دهها هزار نفره برگزار کند.

طی چند ماه کار فشرده و روزانه، سفرها و جلسات متعدد، دوندگی جمع اصلی سازماندهی کنگره یعنی رفقاهم مدرسی، نسرین جلالی، ایرج فرجاد، جلال محمودزاده و ساکار احمدیان، با سازمان دادن بیش از ۴۰ نفر در گروههای کاری مختلف، طی تماس های روزانه و هم افق کردن همه در مورد ابعاد و زوایای مختلف چگونگی برگزاری کنگره، طرح نهایی برگزاری کنگره ریخته شد. کوروش مدرسی هم لحظه به لحظه در همه کارها نظارت و دخالت داشت و پاپهای همه ما مشغول بود. از کارهای فنی تا امنیت و تزئین سالن مشغله کوروش هم بود.

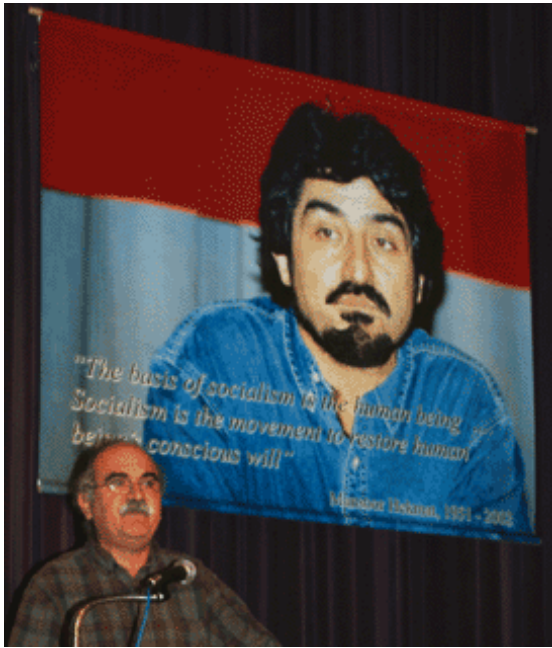
در ۲۲ نوامبر آخرین جلسه توجیهی با بقیه مسئولین اصلی را در جوار مراسم سالگرد حزب در فرانکفورت آلمان با حضور کوروش برگزار کردیم. در این جلسه کوروش کل سناریو برگزاری کنگره از اولین لحظه یعنی تحویل گرفتن شرکت کنندگان تا ترک محل را با جمع اصلی سازماندهی کنگره در میان گذاشت و در مورد آن صحبت و تبادل نظر کردیم.

همه کارها بخوبی پیش رفت تا اینکه صبح روز جمعه ۱۲ دسامبر سالن کنگره آماده حضور شرکت کنندگان بود. ورود شرکت کنندگان و تأثیری که از سالن باشکوه کنگره، با عکسهای مارکس و منصور حکمت میگرقتند نشان میداد که ما در این بخش از کارمان موفق بوده ایم. همه شرکت کنندگان از استانداردها بالای تدارکاتی، فنی، و زیستی کنگره احساس قدرت میکردند. سرود

طول موج جدید رادیو انترناسیونال
۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز
هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

در بزرگداشت منصور حکمت

متن سخنرانی حمید تقوایی در کنگره چهارم حزب



تمامش کرد. خیلی ها گفتند رهبریشان رفت، راحت شدیم، دو خردارها گفتند. همین چپی که اصلا نمیخواهد دست بقدرت سیاسی بزند و مثل جن از بسم الله از قدرت سیاسی میترسد گفت، رژیم گفت، ارتجاع در همه جای دنیا گفت. و رو سیاهی بهشان ماند. نمیتوانید منصور حکمت را پنهان کنید، فراموش کنید، بخاک بسپاریدش، تحریفش کنید. ما اجازه نمیدهیم. حزبش ایستاده است و انقلاب و مردم اجازه نمیدهند. منصور حکمت گفت این حزب بود، من و شما هم کنار برویم، این حزب را دوباره میسازند.

منصور حکمت ضرورت زمانه ماست و نه فقط در جغرافیای سیاسی ایران بلکه در پهنه تمام دنیا. منصور حکمت جواب است. پاسخ است، چه باید کرد است، راه حل است. مردم اگر نیاز دارند، مردم اگر فقیرند، اگر گرسنه اند، اگر تحت ستمند، نیاز دارند که رها بشوند و به منصور حکمت احتیاج دارند. حزب ما باید این چراغی که منصور حکمت بدست ما داد، این رادیکالیسم عمیق و همه جانبه را دست بگیرد و با استقبال انقلاب ایران برود و انقلابی را که در پیش است رهبری و سازماندهی کند. منصور حکمت قدرت این کار را به ما داده است، زمینه و پلاتفرمش را عظیم را انجام بدهیم. من در اولین مراسم یادبو منصور حکمت گفتم که منصور حکمت تاریخ شکست خورگان را ساخت، و نوشت. امروز ما اینجا در این کنگره متعهد میشویم که این تاریخ را به تاریخ پیروزمندان تبدیل کنیم. (کف زدن متد حضار). *

جمهوری اسلامی را سرنگون میکند، بعد منشعب میشود (کف زدن متد حضار). آن چیزی که ما را متحد نگاه میدارد جامعه است، انقلاب است، مبارزه است، زنان ایرانند، کارگران ایرانند. این ما را متحد نگاه میدارد! و تا زمانی که ما به منصور حکمت مسلحیم و تا وقتی با منصور حکمت هستیم، سیاست و برنامه و خط رهبری جامعه و رهبری کارگران را، رهبری زنان را، رهبری تمام ستمکشان را در دست داریم، و تا وقتی این پرچم را داریم نمیتوانیم مبارزه جهانی علیه نظم نوین را سازمان بدهیم که پلاتفرمش را منصور حکمت نوشت و بدستمان داد و هنوز در پیشاپیش جنبش ما در اهتزازست. حتی اگر مردم دنیا هنوز این را ندانند، اکثریتشان نمیدانند، ولی دارند کشف میکنند. اسم مقاله شان را میگذارند کشف منصور حکمت. میگویند منصور حکمت متفاوت است، حرفهای دیگری میزند. فقط متعلق به ایران نیست به چپ اروپا هم جواب میدهد. منصور حکمت را دارند دوباره کشف میکنند چون حقیقت، جامعه، و زندگی منصور حکمت را میخواهد و حزب ما با منصور حکمت در قلب این حقیقت و جامعه و زندگی است، و پیروزش میکند. منصور حکمت همانطور که الان شنیدید در سخنرانی کنگره سوم گفت این حزب را نمیشود توی قوطی کرد. نمیشود برش گرداند. منصور حکمت را هم نمیشود کشت، منصور حکمت تنها یک موجودیت فیزیکی نیست. متأسفانه عمرش اجازه نداد امروز در میان ما باشد. اما منصور حکمت را نمیشود

آنطرف خیابان عکس گرفته اند و هنوز آزادی برابری را روی پرچم سرخ برآحتی میخوانید. منصور حکمت در دانشگاه تهران بود در روز ۱۶ آذر (کف زدن حضار). منصور حکمت هست، با ماست نه فقط برای اینکه ما عضو حزبش بودیم، یا رفیقش بودیم و دوستش داشتیم. با ماست بخاطر اینکه با بشریت امروز است. و اگر برگردید و از منظر حزب به اتفاقات نگاه کنید میبینید کم کم این دو را، منصور حکمت حزبی و اجتماعی را، نمیشود از هم جدا کرد، نادر عزیز ما را از منصور حکمت ۱۵ فوریه نمیشود جدا کرد و از منصور حکمت ۱۶ آذر نمیشود جدا کرد، از منصور حکمت کارگران پرتوشیمی نمیشود جدا کرد. برای اینکه حزب آنجاست. منصور حکمت میگفت تا بحال چپ یا خواسته است رادیکال باشد و رادیکال بماند، منزوی شده است و یا خواسته است در سیاست دخالت کند راست شده و رادیکالیسمش را کنار گذاشته است. منصور حکمت نشان داد که چطور رادیکالیسم رمز قدرت ماست و چطور رادیکالیسم محبوب و توده گیر میشود و این اثبات شده است. این بعد از مرگ منصور حکمت ده چندان بیشتر اثبات شد. ما داریم با چشمان خودمان میبینیم که این رادیکالیسم ماست که تمام آنانی که بدنبال شیرین عبادی صف کشیده اند را بیصدا کرد، خفه کرد، ساکت کرد. نمیدانند مواضع یکما پیش خودشان را چطور رفع و رجوع کنند. و مائیم که با پرچم و شعار منصور حکمت در اسلو حضور داریم و فریاد میزنیم و صدای زنان ایران و کودکان و کارگران ایران را میبریم در جلسه مصاحبه مطبوعاتی با شیرین عبادی. منصور حکمت گفت رادیکالیسم ما را توده گیر میکند و این را داریم بچشم خودمان میبینیم. منصور حکمت میخی است که این حزب را بر زمین کوبیده است. طوفان انقلاب دارد شروع میشود. این حزب منسجم و قوی اینجا ایستاده است. گفتند منصور حکمت رفت، اینجا چند تکه میشوند. باد میبردشان. هنوز دارند میگویند "سه تا نظر است هفت تا نظر است، هشت تا نظر است، مثل اینکه اختلاف دارند گویا بینشان دعواست". من اینجا میخواهم این را اعلام کنم: مطمئن باشید حتی اگر این حزب نخواهد منشعب شود اول

نیست، فقط بخاطر این نیست که رهبر حزب ما بوده است. روزی که تشنه به آب احتیاج نداشته باشد آنوقت دیگر به منصور حکمت هم احتیاجی نیست. اگر کسی آزادی نخواهد، منصور حکمت را هم نمیخواهد، اگر زنان آزاد و برابر بودند، اگر زنان برده نبودند، اگر کودکان زندگی شادی داشتند، اگر سوسیالیسم را داشتیم، اگر استعمار نبود، آنوقت دیگر منصور حکمت را هم نمیخواستیم. (کف زدن حضار). منصور حکمت زنده است، چون در دل همین فقر و استعمار و بدبختی ما باید امید داشته باشیم، باید شاد باشیم، باید انرژی داشته باشیم، باید بجنگیم، باید جلو برویم و منصور حکمت راه را به ما نشان داده است. بدون او، اینجا نبود. من در مراسم یادبود او بعد از مرگش گفتم که اگر منصور حکمت نبود اسم انسانیت و بشریت حتی در حاشیه تاریخ معاصر هم نمیآمد. و این بعد از مرگ منصور حکمت صد چندان بیشتر ثابت شد. گفتند منصور حکمت میروید و این حزب و جنبش هم میروید، تمام میشود. چی شد؟ در آن سطحی و به قدرت و سرعتی که بعد از منصور حکمت ما رشد کردیم، که گرچه اگر خودش بود صدها برابر میشد، ولی قابل مقایسه با هیچیک از احزاب و نیروهای دیگر، نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا، نیست. آنطور که حزب پیشرفت و آنطور که جامعه نیازش را به ما فریاد زد، شعارهای ما میان مردم رفت، ما را خواستند، آنطور که الان دارند منصور حکمت را دوباره کشف میکنند به زبان انگلیسی در اسکاتلند. دارند دوباره میخوانندش، دارند میفهمندش. دوربینها و میکروفونها می آید روی رفقای ما و جلوی دهان ما گرفته میشود، منصور حکمت زنده است چون در همه این رخدادها با ماست. وقتی با هواپیما به کنگره می آمدیم، ناگهان دیدیم پروین کابلی و شهنواز مرتب روی پرده تلویزیون اند، در اخبار تلویزیون کانادا توی هواپیما داشتند اعتراضات اسلو را نشان میدادند. آنجا حس کردم منصور حکمت در کنارم نشسته است و دارد با من به این کنگره میاید. (کف زدن حضار). عکس پرچم برافراشته آزادی، برابری در دانشگاه تهران را در روزنامه ها دیدیم، آنقدر بزرگ بود که از پشت درهای بسته دانشگاه از

منصور حکمت امروز در میان ما نیست ولی با ماست. با ماست نه فقط به این خاطر که در قلب ماست، دوستش داریم، نادر عزیز ماست، رهبرمان است و معمار و پایه گذار حزب و جنبشمان است. با ماست نه فقط برای اینکه دوستش داریم چون ژوئیس است، از نزدیک و دور میشناسیمش و خصوصیات اخلاقیاش را بعنوان یک انسان والا و عزیز دیده بودیم. با ماست نه فقط بخاطر اینکه تتوریهایش و برنامه اش، سیاستهایش، اهدافش و نظراتش، هنوز حزب و جنبش ما را میسازد و چراغ راهنمای ماست. با ماست نه فقط برای آنکه اگر او نبود اصلا این کنگره نبود، من و شما اینجا نبودیم، آسمان را کسی نشنیده بود، نقشی در تاریخ معاصر خودمان بازی نمیکردیم، و اینجا هیچکدام نبود اگر شخصی به اسم منصور حکمت نبود.

منصور حکمت با ماست بخاطر اینکه دنیا به او احتیاج دارد، با ماست بخاطر اینکه با بشریت است، با انسانیت است. با ماست بخاطر اینکه ما پانزدهم فوریه را داشتیم، جنبش عظیم مردم علیه این قطبهای تروریستی که داشتند خاک دنیا را به توره میکشیدند. با ماست برای اینکه کارگران دنیا ننشسته اند، آزادی خاموش نشده است، انسانیت و بشریت هنوز مطلوب است، هنوز آرمان است، هنوز داند برایش می جنگند. با ماست برای اینکه انقلاب در ایران دارد شکل میگیرد، با ماست برای اینکه جنبش کارگران پرتوشیمی را داریم. با ماست برای اینکه جنبش دانشجویان را داریم هیجده تیر را داریم، اعتراض در اسلو را داریم. با ماست برای اینکه زنان ایران میخواهند آزاد شوند و به منصور حکمت نیاز دارند. کارگران میخواهند فقر و استعمار را بر بیاندازند به منصور حکمت نیاز دارند. انسانها میخواهند زندگی انسانی داشته باشند به منصور حکمت نیاز دارند. (کف زدن حضار) با ماست برای اینکه اگر منظور حکمت نبود جهان متدمن پرچمداراش را نداشت، پیشرویش را نداشت، با ماست برای اینکه اگر منصور حکمت نبود رادیکالیسم امروز دنیا نمایندگی نمیشد و این یک واقعیت عینی و ابژکتیو است. (کف زدن حضار) فقط بخاطر دوست داشتن ما